

شهری که از کرامت انسانی دفاع کرد !

(کومهله ، حزب دمکرات ، سازمان چریک های فدائی خلق و سایر نیروهای چپ در جنگ خونین بهار ۵۹ سنندج شرکت کردند.)

از : رشاد - مصطفی سلطانی

بیستم شهریور ۱۴۰۰

مقاومت و نبرد، حتی در جنگهای تحمیلی و خونین ، سمفونی عزا را مینوازد !



(روشنگری : در این نوشته قصد و هدفی دنبال نشده که به سازمان ها و یا اشخاص و رهبران مختلف جنبش انقلابی و عدالتخواهانه‌ی کردستان توهین و بی حرمتی گردد. زیرا تمام شکست ها و موفقیت های جنگ خونین سنندج به همه‌ی شرکت کنندگان آن، چه توده‌های انقلابی و چه نیروهای سیاسی تعلق دارد. من در رویداد های کوچک و بزرگ این جنگ بنحوی حضور داشته و خاطراتم حقیقتاً از صافی وجدان گذشته و عبور کرده‌است. بنده همه‌ی جانب‌باختگان جنگ تحمیلی بهار ۵۹ سنندج را از صمیم قلب شایسته‌ی احترام و قدردانی دانسته و امیدوارم روزی اسامی آنها بر روی سنگ مرمر ، بر دیوارهای میدان آزادی ، ستون های یادبود و در سطح شهر سنندج حک گردد.)

۱- کردستان و بستر مبارزات :

بستر مبارزات مدنی و اجتماعی در شرق کردستان بی اغراق تار و پود طبقاتی و ملی داشت . در این رهگذر و بدنبال پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۳۵۸ و سقوط استبداد و سیستم شاهنشاهی ، در کردستان آگاهی سیاسی و مبارزاتی توده‌های رنجبر و تهیدست در مقایسه با سایر نقاط ایران فاز بالنده و پیشروی را اهسته و پیوسته طی می نمود. این حرکت افست و خیزهای امیدوار کننده‌ای داشت . اگر در سایر نقاط ایران طیف آخوندها توانسته بودند، توده‌ها را فریب و شستشوی مغزی بدهند ، این روند در کردستان باحرکتی لاک پشتی انجام میگرفت، که چندان برای سیستم جمهوری اسلامی ، امیدوار کننده نبود و ، همیشه در رسانه‌های جمعی و ماسمیدیا از جریانات بالنده و مترقی کردستان دادو فغان و شکوه و گلایه داشتند .

۲- چرا روند مبارزات مترقی و عدالتخواهانه‌ی شرق کردستان مطلقا خوش آیندحاکمان جمهوری اسلامی نبود؟

جمهوری اسلامی با ساخت و پاخت های حاکمان اورو، دولارو پاوند در یک نمایش مضحک و تهوع آور و بازی کارتل های جهانی بقدرت رسیده بود. اساسا در دولت داری و حاکمیت و رهبری مردم آزاده‌ی ایران، هیچگونه مدیریت خردمندانه‌ای نداشتند و برامواج انقلاب سوار شدند و، بشیوه‌ای نالایق تاکنون جامعه ایران را رهبری میکنند. لذا پناه بردن به پدیده‌ی "تقیه" و نیرنگ و مبانی غیره‌علمی و قوانین بیابان های عربستان و کلتورهای زنگ زده و پوسیده و شیادی، بعنوان تاکتیکی کارا مطرح شد و، بشیوه‌ای متمرکز از آن بهره برداری کردند. در همه‌ی نقاط ایران این تاکتیک که بغضا استراتژی آنها نیز بود، با سرکوب خونین همراه بود که "تاریخ" نمونه‌ی ترکمن صحرا را بیاد دارد. اما جنبش بالنده و عدالتخواهانه‌ی کردستان کماکان معضل اساسی و پایه‌ای رژیم گردید و، حاکمیت اسلام سیاسی را زیر سوال برد. مهمترین واژه و اضطراب سیستم جمهوری اسلامی از روند انقلابی در کردستان که در پروسه‌ای دمکراتیک حاکمیت مردم را پیاده میکرد و برسمیت می شناخت، این بود این کلتور و شیوه‌ی مبارزه و عدالتخواهی و فورم اداره‌ی جامعه در قالب دمکراتیک ونفی حاکمیت رژیم اسلامی به سایر نقاط ایران سرایت نکرده و الگوی مبارزاتی سایر ملت ها بر علیه فاشیزم اسلامی نگردد. که در این پروسه بقا و حاکمیت دولت جدید را با هزاران مشکل روبرو میساخت و استقرار جمهوری اسلامی را احتمالا ناممکن میکرد. لذا جمهوری اسلامی در سرکوب خونین کردستان شک و گمانی نداشت و در کمین این خونریزی بود. فاشیزم اسلامی قبول نمیکرد کردستان نمونه‌ی حاکمیت مردمی، ابزارهای مدرن و دمکراتیک شورا و بنکه ها باشد و دیگر مناطق ایران از این دستاورد اجتماعی و انقلابی تاسی و دنباله روی کنند.

۳- ابزارهای لازم برای سرکوب خونین درشرق کردستان :

جمهوری نوپای اسلامی نتوانست از کانال مساجدو طیف آخوندهای کردستان، شستشوی مغزی و برنامه‌هایش رایپاده کند. اغلب روحانیون کردستان سمت و سوی ملی داشته و با تحقیر و نپذیرفتن ستم ملی و ملیتاریزه کردن کردستان نه بصورت علنی اما بصورت محافظه‌کارانه‌ای، مخالفت میکردند. جمهوری اسلامی همه‌سازمان ها و ارگان های ضد مردمی رژیم شاه را بازسازی کرده و به خدمت ارتجاع اسلامی درآورد. ساواک، اطلاعات شهربانی، رکن دو ارتش، سازمان جاسوسی ژاندار مری را بسرعت و در یک شبانه‌روز اسلامی کرده و براین ارگان های مخوف تکیه‌داد. جریان هائی که در شهر سنج و مریوان پتانسیل و ظرفیت بالائی در خیانت داشتند، تشکیلات مکتب قران به رهبری جناب آقای احمد مفتی زاده و باند تبه‌کارش یعنی خانواده‌ی حیدری در شهر مریوان و قیاده موقت در روستای دزلی بود. رژیم به آسانی این ابزارها را در خدمت گرفت و بر علیه خواست و آرزوهای دیرین و تاریخی ستم‌دیدگان کردستان بکار گرفت. جریان مکتب قران بصورت آنتن و خدمتگزار رژیم درآمدو خدمات شایانی به بقا و ادامه‌ی اشغالگری رژیم، در سرزمین کردستان نمود. این جریان نقاط مشترک فراوای با استراتژی رژیم اسلامی داشت. چه مکتب قران و چه جمهوری اسلامی حقیقتا به حقوق ملت ها اعتماد و باوری نداشتند. و زیر لوای اومه‌ی مسلمان و حقوق مردم مستضعف، ستم ملی را انکار و آنرا در راستای موفقیت باورمندان به اسلام در جهان تعبیر و تفسیر می نمودند. بدین معنی که ملت از دیدگاه آنها رنگ باخته و اومه مسلمان یگانه و تنها واحد اجتماعی است که حقوق خویش را از استکبار جهانی میطلبد. مقامات جمهوری اسلامی بارها در رسانه‌ها اعتراف کردند که بین فارسها، ترکمن ها، کردها، بلوچ ها، ترک هاو عرب ها هیچ تفاوتی در حقوق اقتصادی، سیاسی واجتماعی وجود ندارد و همه باهم برادر، مسلمان و برابریم. و قران بعنوان مانیفست اسلام آنرا تایید و پذیرفته‌است. در

اینصورت فورم های اداره جوامع بصورت : کنفدرالیزم ، جدائی کامل ، اتونومی و ، اقتباس از سیستم های مدرن شهرداری ها (کمون درسوید) و کانتون ها(شهرداری های سوئیس) و همزیستی مسالمتی امیز در مقیاس و پروازاندیشه‌ی فکری آنها محال و ناممکن بود و اساسا این فورم های اداره‌ی جامعه را بهیچ شیوه‌ای نمی پذیرفتند .

۴- نقش جریان های سیاسی در جنگ خونین ۵۹ در شهر سنندج :

در مجموع کردستان روی پاشنه نیروهای چپ و سیکولار می چرخید و تمایلات و گرایشات مذهبی کم رنگ و در مجموع در سطح مبارزات شهروندان کردستان چندان معتبر نبودند. جریان های بیرمق مذهبی ابزار دست آخوندهای قم و تهران بوده و وزن سیاسی نداشتند. اما نیروهای چپ از جمله کومه‌له، چریک های فدائی خلق ، پیکار ، رزمندگان ، اتحادیه‌ی کمونیست ها و حزب توده ثقل و وزن سیاسی چشم گیر و تعیین کننده‌ای داشتند. کومه‌له در همه‌ی رویدادهای سنندج دخیل و وزنه‌ای سنگین محسوب میگردید. کومه‌له به‌خواست و آرزوهای دیرین مردم ستمدیده جواب تاریخی و مسئولانه‌ای داد و در این روند و پروسه سربلند و تاریخ آفرین بود . مبارزات دمکراتیک در شهر سنندج مرکز ثقل و کانون مبارزات کلاسیک و سنتی مردم شرق کردستان را از شهر مهاباد به شهر سنندج انتقال داد و این گذار بسیار سخت و جانفرسا و گران قیمت بود، که با خون آزادیخواهان و انقلابیون پرداخت گردید. کومه‌له در تشکیل ارگان سالم و مردمی " بنک‌ها " نقش طراز اول را داشت . در ارگان بنک‌ها ، دگراندیشان جا و مکان دلپذیری داشتند و اتمسفر و شرایط قبول دگراندیشان در بستر ابراز وجود و گرایش فکریشان در سطح بالائی فراهم بود . در این ارگان مردمی و توده‌ای همه‌ی تمایلات سیاسی ، از جمله چپ رادیکال ، تمایلات پیشرو و انقلابی ، چپ سنتی ایرانی با نگرشی پوپولیستی ، طبقاتی ، تمایلات مذهبی ، ملی با دورنمای تولید خرد ، سکتاریستی ، اومانیستی ، ماجراجویی و کیش شخصیتی وجود داشت. اما بنک‌ها ظرف و مکان شایسته‌ای برای تجمع و قبول مواضع و تمایلات مختلف سیاسی بود و مانند یک ارگان مردمی و جالفتاده در خدمت به‌شهروندان کردستان جایگاه حساس و ارزشمندی داشت .

۵- کومه‌له:

کومه‌له باتمام قوا در این نبرد درگیر بود و برای مقاومت در برابر حمله سپاهیان اسلام از جان و دل مایه گذاشت. و از پشتیبانی دریای توده‌ها برخوردار بود . کمک های مادی و معنوی مردم سنندج و دهات اطراف و شهرهای دیگر به این جنگ تحمیلی ، یکی از اوراق زرین تاریخ جنبش های چپ دنیا است. در جوار همه‌ی موفقیت های کومه‌له و بشکشت کشتاندن نیروی اشغالگر و خصوصا نیروئی که در پادگان سنندج چون افعی چمبر زده بود و همیشه زهر کشنده خویش را با گلوله باران شهر، بر سر ساکنین مردم سنندج میریخت ، فعال و پیشرو و قاطعانه در میدان جنگ حاضر و آماده‌بود. در جبهه‌های وسیع جنگ تحمیلی ، در خیابان ها ، محلات ، کوچه‌ها و منازل مردم با تمام نیرو بر علیه سپاه اشغالگر می جنگید . کومه‌له با ایمان راسخ در این نبرد حضور داشت و خالق پیروزی های بیشماری در عرصه‌ی جنگ های شهری بود. منهای سیاست های خردمندانه‌ی کومه‌له و شرکت در مبارزه بر علیه اشغالگری جمهوری اسلامی ، با تمام تفاسیل لغزش هائی را مرتکب شد که مبارزه‌اش را از دیدگاه تاریخ نگاران مغشوش کرد. لغزش هائی که در میان شرم و بی عدالتی آشکار نوسان داشت . حمله به‌کردستان از زمین و هوا وخصوصا جنگ تحمیلی فرصتی به سازمان های سیاسی کردستان نداد که پلانفورم جنگ شهری را نوشته و آماده سازند. لذا کومه‌له بدون پلانفورم و برنامه ی مشخص در این جنگ وارد گردید . اساسا جنگ های شهری برای نیروهای پارتیزان چندان آسان نبوده و نیست . اگر کومه‌له توانست باسربلندی مدت ۲۴ روز جنگ خونین را بر علیه ارتش ، سپاه پاسداران ، نیروهای مزدور و فرب خورده‌ی محلی و ستون پنجم ادامه دهد شاهکاری عظیم در تاریخ جنبش های آزادیبخش

بود. در جوار این تلاش ها، افرادی از تشکیلات کومهله بدون رعایت پرنسیب های انقلابی و انسانی، مردم بیگناه را بدون دلیل مورد آذیت و آزار قرار داده و حکم های ناروا صادر میکردند و افراد بیگناهی قربانی گردیدند. که کردارهای نابجای آنها بر موجودیت و ساختار سیاسی کومهله سنگینی نمود. این کج روی ها و ماجراجویی ها پیشمرگان ماجرا جو، افراد با وجدان در تشکیلات کومهله را هم اکنون نیز عذاب میدهد. از اشاره به نمونه های وقیح و نازل شرم دارم. تشکیل دادگاه های خلقی برابند تفکری منزوی و کلاسیک و تقریبا اقتصاسی از دادگاه های کشور چین بود، که این دادگاه ها نتوانستند وظایف انسانی و انقلابی خویش را انجام داده و غالبا با بینش های "تولید خردروستائی" که خط مشی مقبول آن دوره بود مجرمان را محکوم میکردند و یا می بخشیدند. در مواردی توده تشکیلات و پیشمرگان کومهله، رهبر جریانات و رویداد های حساس سنندج بودند و، رهبری کومهله حضوری بی نام و نشان داشت. بیاد دارم زنده یاد کاک شوان و بسیاری از پیشمرگان دیگر طرح مصادره ی بانک ملی را داشتند که با مخالفت رهبری کومهله روبرو گشتند. درحالیکه بعد از خروج از شهر اگر امکانات مادی کومهله ی مریوان نبود که بانک مریوان را مصادره کرده بودند، کومهله ی سنندج در مضیقه ی کامل می افتاد. در هنگام عقب نشینی اگر رهبری داهیان و خردمندان کاک شوان نبود صدمات به نیروهای که از شهر خارج میشدند، کمرشکن بود. جنگ بعد و پوتانسیل وحشتناکی گرفته بود، شهر در محاصره ی کامل دشمن قرار داشت و تمام شهر درگیر جنگ تحمیلی شده بود. کمبود مواد غذایی و قطع جریان آب نوشیدنی در بعضی نقاط شهر، تسلط دشمن بر کانال های ارسال آذوقه و خوار بار که از طرف مردم آزاده دهات و دیگر شهرهای کردستان میرسید مشکل را مضاعف کرده بود. شهروندان و پیشمرگان در هنگام ترک شهر با مسئله سگ های درنده و گرسنه مواجه شدند، که به انسان حمله ور میشدند. افراد ماجراجو و بی مسئولیت در اعدام پاره ی از افراد، نقش مخرب و مضمنز کننده ای داشتند. اگر کسی آنها را سرزنش و مورد انتقاد قرار میداد با جملات سازشکار و روشنفکر بی عمل و دهن کجیهای ناروا روبرو میگردد. در جنگ جبهه های شهر سنندج، توانائی نظامی و لوجستیکی نیروی سپاه پاسداران و ارتش مسلمان شده بسیار بالا بود. قدرت و نیروی پارتیزانی کومهله را هرگز نمیتوان با نیروی اشغالگران در کفهی یک ترازو قرار داد. جنگ جبهه های با توانائی های نظامی و اقتصادی و رزمی کومهله سنجیت نداشت. در جنگ سنندج رهبری کومهله بگونه ای نگران کننده در روند هدایت مقاومت و موضع گیرهای منطقی، منسجم نبود. برخلاف تصورات واهی که این روزها ادعا میگردد، دوران های تاریخی شخصیت ها را پرورش میدهند، اما توانائی، پوتانسیل و قدرت تصمیم گیری، موضع گیری و تاکتیک های صحیح و شهامت انجام دادن کار های بزرگ و صداقت، رهبران بزرگوار، صادق ولایقی چون سید ایوب نبوی، صدیق کمانگر و کاک شوان را در بطن مقاومت و جنگ تحمیلی در سنندج پرورش داد که سپس در سطح مبارزات چپ ایران جایگاه ارزنده ای کسب کردند. کاک صدیق کمانگر، کومهله را مصممانه به جنبش سیکولار کردستان فرا خواند و، در این رهگذر با اتخاذ مواضع پیشرو، قطب نمای مبارزات شهروندان گردید و تشکیلات کومهله را بی محابا یاری داد.

۶-چریک های فدائی خلق: نیروی متشکلی بود و در میان جوانان نفوذ چشم گیری ارزنده ای داشتند. چریک های فدائی با کومهله مستقیمادر جریان های سیاسی سنندج مشارکت داشته و دخیل بودند. هنگامیکه نیروهای مکتب قران می خواستند که با صلوات و طبل و دایره هم جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب وهم مقر چریک های فدائی را تسخیر و آتش بزنند، مواضع محکم و بدون تزلزل چریک ها و کومهله این توطئه را با قاطعیت جواب داده و خنثی کردند. سازمان چریک ها نیروی بودند که صراحتا در برابر ارتجاج اسلامی و مکتب قران ایستادگی کردند. در میدان اقبال سنندج نیروی مکتب قران متوجه قاطعیت سازمان چریک ها و کومهله شدند و، تشکل آنها دچار تزلزل و ترس و وحشت

گردید و بهم ریخت و سپس بدون دستاوردی پراکنده شدند. چریک ها میتود و خط مشی متور کوچک و متور بزرگ را پیروی میکردند، و جنگ مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک را در برنامه‌ی نبرد خویش داشتند. شیوه تبلیغ آنها بمراتب از تبلیغات کومه‌له جالب تر و اذهان عمومی مردم را تسخیر کرده بودند. در میتینگ ها و تظاهرات ها ، شعار ها و پیام های وزینی حمل میکردند ، که با روند مبارزات همسوئی و خوانائی داشت . جناب آقای بهروز سلیمانی و سرکارخانم فریده قریشی از سیماهای سرشناس این جریان سیاسی در سنندج بودند . اگرچه نیروی عظیمی در سراسر ایران در زیر چتر سازمان چریک های فدائی قرار داشت اما از نیرویشان آنطوریکه انتظار تاریخی میرفت بر علیه فاشیسم اسلامی استفاده نکردند. و ناچار شدند بخش مهمی از نیروهایشان به تنها سنگر باز مانده از قیام یعنی به کردستان بیایند . نشریات و اوراق تبلیغی منسجم و در برابر رویداد های تاریخی سنندج عکس العمل سریعی داشتند . هنگامیکه انقلابیون سنندج برای کمک به مردم شریف ترکمن صحرا ، عازم آن دیار شدند و در مسیر راه تصادف کرده و ۹ نفر از انقلابیون این شهر جان باختند ، سازمان چریک های فدائی اولین تشکیلاتی بود که در باره آنها نوشت و از اقدام و مواضع انقلابیشان یاد کرد و، ارج فراوانی برای همدلی و هم سرنوشتی رنجبران و تهی دستان ملل ایران ابراز نموده بود . در روند مبارزات سرکار خانم قریشی همراه جناب کاک یوسف اردلان بعنوان نمایندگان نیروی سیکولار و چپ ، در انتخابات شورای یازده نفره ی سنندج پیروز و انتخاب گردیدند .

۷- حزب دمکرات :

حزب دمکرات بر خلاف تبلیغات کومه‌له در جنگ سنندج شرکت مستقیم داشتند و در جبهه‌هایی در برابر حملات سپاه پاسداران و ارتش که شهر را خمپاره و توپ باران میکرد جنگیدند . نیروی تشکیلاتی آنها کمتر روشنفکر بوده و از رنجبران روستا تشکیل شده بود. در سنندج و مریوان در سطح کومه‌له نفوذ و اعتبار اجتماعی نداشتند ، اما در مکریان وزنه‌ای سنگین بوده نفوذ برجسته‌ای داشتند. قبل از جنگ خونین سنندج رهبری حزب سیاست مماشات و سازش را در بر گرفته بود. و گاه گذاری در کوچه پس کوچه‌های تهران و قم بدنبال آخوندکی بودند که از ان کانال به خدمت امام برسند و بخدمت رسیدند و از کانال و میتینگ " چوار چرای" مهاباد لیبیک خویش را به امام تقدیم کردند. رگه‌هایی از حزب توده در میان صفوف حزب دمکرات ، در راستای خدمت به جمهوری اسلامی تلاش میکردند . و از دیدگاه آنها شخص خمینی و جمهوری اسلامی ضد امپریالیست بوده و در ارزیابی و تفسیر حزب توده گویا خمینی انسانی همه جانبه و رهبری توانا و لایق است و همزمان سیستم باصطلاح سوسیالیستی؟؟ و سیاست های شوروی را می ستوندند. در جریان جنگ آزادیبخش کردستان و خصوصا جنگ خونین و تحمیلی سنندج، حزب توده مواضعی در روزنامه‌اش بر علیه خلق کرد ابراز کرد و، جنبش بالنده و انقلابی کردستان را به تحریکات عمال امپریالیزم ، صهیونیزم ، جاسوسان سازمان سیای آمریکا، ساواک و موساد اسرائیل نسبت میداد. زمانیکه سپاه پاسداران کل حزب توده را تعقیب نمود، درصد عظیمی از اعضا حزب توده به کردستان پناه آوردندو سرانجام پاره‌ای از افرادشان بکشور سوسیالیستی؟؟ شوروی فرار کردند که از نبود امکانات در روسیه دوباره بکشورهای امپریالیستی و اروپای غربی پناه آورده و گریختند. انها مخالف سیستم شاهنشاهی بودند و شوروی را بعنوان اردوگاه سوسیالیستی ستایش میکردند . با فرار و حضورشان در شوروی متوجه جامعه‌ی فروریخته و شکست خورده‌ی کشور شورواها شدند و به سرمایه‌داری اروپا که از آن متنفر بودند پناه آوردند. حزب دمکرات در سنندج و مریوان وزن سیاسی و اجتماعی و نفوذی در سطح کومه‌له نداشت . اما در جنبش کردستان از حقوق خلق کرد دفاع نموده ودر ان راستا جنگیدند و بارها نیروهای دشمن را در پهنه‌ی کردستان شکست تاریخی داده و غنایم بیکرانی را بدست آوردند . چهره‌ی سرشناس حزب دمکرات در سنندج جناب آقای طیفور بطحائی بود، که همراه انقلابیون اسطوره و گرانبمایه جانباختگان : خسرو گل‌سرخ

و کرامت الله دانشیان در دادگاه‌های مشترک ارتش و ساواک محاکمه گردیده‌بود . از تمایلات ملی مردم به نفع خودشان بهره برداری میکردند . حزب دمکرات در مواردی سپاه دشمن را که مورد حمله‌ی توده‌های انقلابی قرار میگرفتند ، اسکورت نموده تا به لانه‌های خویش و پادگان ها برسند و از گزند حملات مردم در امان باشند . هم دمکرات و هم کومهله نقاط مشترک فراوان و زیادی داشتند که میتوانست بستر مناسبی برای امضای پلاتفورمی باشد، که بعنوان یک سند تاریخی به جنبش عادلانه و انقلابی کردستان تقدیم گردد. رهبری هردوجریان در دام سکتاریسم و خودخواهی و احترام نه‌گذاشتن به فنومن و پدیده‌ی دگراندیشان افتادند و در روند پر تلاطم جنبش و نبرد بادشمن در دام جمهوری اسلامی افتادند و به بستر جنگ داخلی کشیده شدند و سرانجام خدمت گرانبهائی به سیستم جمهوری اسلامی و ضرر نابخشودنی به شهروندان کردستان وارد ساختند و زدند . می بایست احزاب و سازمان های سیاسی بعنوان یک اصل پذیرفتنی و منطقی، به عقاید و دیدگاه‌های همدیگر احترام میگذاشتند. هنوز ریفراندوم و انتخاباتی در کردستان انجام نگرفته بود تا میزان در صد محبوبیت کومهله و حزب دمکرات در میان شهروندان کردستان تعیین گردد . تا براساس در صد رای دهندگان و نتایج ریفراندوم مسئله‌ی حاکمیت و شوراها بشیوه‌ای دمکراتیک حل گردد. که قدرت و هژمونی سیاسی در جامعه کردستان بین احزاب و سازمان های سیاسی بنحوی دمکراتیک و اومانستی و مدرن تقسیم میگردد و بدیموسیه در جوار هم کردستان را اداره میکردند .

۸- نقش زنان و طیف آموزگاران در جنبش بالنده و انقلابی کردستان :

زنان و دختران در شرق کردستان بر خلاف سایر مناطق کردنشین که باصطلاح اشغالگران به کردستان های ترکیه و سوریه و عراق لقب گرفته‌اند ، در جنبش انقلابی حضور گسترده، فراوان و برجسته‌ای داشتند. این حضور فاز تاریخی مترقی و دمکراتیک و عقب نشینی دیدگاه های مرد سالاری و کلتور فئودالی و گذار جامعه به سرمایه‌داری را نمایندگی میکرد. در بنک‌های سنندج بخش عظیم و سنگین کارها و مبارزات روزانه و کمک به مردم بر عهده‌ی دختران و زنان بود ، که در این راستا حتی از جان خویش دریغ نکردند . سیمای سرشناس زنان انقلابی، سرکار خانم باوفا بود ، که حقیقتا و صمیمانه نسبت به جنبش عدالتخواهانه و دمکراتیک کردستان با " وفا" بود . زنان بعنوان نیروی پیشمرگ در صفوف کومهله حضور یافتند و در نبردهای تاریخی با اشغالگران و حزب دمکرات شرکت داشتند. حضورشان در صف مقدم مبارزه ، احساسات شاعر بلند پایه " شیرکو بیگ‌ش " را متأثر کرد و قصیده‌ای تاریخی در مورد یکی از پیشمرگان بنام (بهیان) سرود ، که یکی از شاهکارهای موضع گیری ایشان است . بنده میتوانم چنین ادعائی داشته باشم که بسیج دریای دانش آموزان در کردستان مرهون زحمات " آموزگاران چپ" در شهر ها و روستاهای جامعه بود ، که سالیان درازی در این راستا کار باحوصله‌ی آگاه گری و پرورش سیاسی دانش آموزان را با همت بلند پذیرفتند و ، سرانجام دانش آموزان نیرو و پشتوانه‌ی گرانبهائی در مسیر مبارزات رنجبران و تهی دستان کردستان شدند .

سایر نیروهای چپ : به اندازه ظرفیت و توان نظامی و سیاسی‌شان در جنگ تحمیلی و خونین سنندج شرکت داشتند و بی محابا فداکاری نمودند . شایسته است که از فداکاری و قاطعیت و رزمندگی و صداقت ابوشاهین (فوآد عرب) در جنگ خونین سنندج با احترام فراوان یاد کرد . فوآد عرب این رزمنده انترناسیونالیست با وجدان خودش صادق بود و در نبرد خونین سنندج بر علیه فاشیسم اسلامی در آغوش سخاوتمند و پر محبت شهروندان سنندج جان باخت .

پایان 20120911

*از دیدگاه و داوری های مختلف، در مورد جنگ تحمیلی بهار ۵۹ سنندج ، به شرطی که ، حقیقتا پرنسیب های ماسمیدیا ، روزنامه‌نگاری و حرمت انسانی رعایت گردد با احترام فراوان استقبال میگردد.